

فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی

دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا

شماره چهارم - زمستان ۱۳۸۸

صص ۲۲۱ - ۲۱۳

نقد و بررسی کتاب

روابط بین‌المللی آمریکا پس از جنگ جهانی اول (۱۹۱۹-۱۹۹۹)

مؤلف: وسلی. ام. باگ بای

ترجمه دکتر اسماعیل شفیعی و عیدی محمد مختاری

بهرام منتظری^۱

ناشر: اندیشه نیکان

محل نشر: اصفهان

نوبت چاپ: اول

تاریخ انتشار: ۱۳۸۴

تعداد صفحات: ۶۳۶

کتاب *روابط بین‌الملل آمریکا پس از جنگ جهانی اول (۱۹۱۹-۱۹۹۹)* نوشته وسلی. ام. باگ‌بای، ترجمه دکتر اسماعیل شفیعی عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا و عیدی محمد مختاری را می‌توان شرح جامع و مفصلی درباره روابط بین‌المللی آمریکا در قرن بیستم به حساب آورد. نویسنده کتاب که استاد تاریخ در دانشگاه ویرجینیای غربی ایالات متحده آمریکا است سعی وافر نموده که سیاست

۱. استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا

خارجی ایالات متحده را به صورت علمی مورد مذاقه و تجزیه و تحلیل قرار دهد. از سوی دیگر ترجمه روان و شیوای متن گویای آن است که مترجمان سعی کرده‌اند حفظ امانت نموده و از دخالت دادن آرای خود در متن بپرهیزند.

از دلایل ضرورت ترجمه و چاپ این کتاب این موارد را می‌توان برشمرد: کمبود منابع معتبر و دانشگاهی به خصوص در روابط بین‌الملل آمریکا و نیز وجود عنوان درس‌های «بررسی تطبیقی سیاست خارجی آمریکا و شوروی سابق» و «سیاست خارجی آمریکا» و «سیاست خارجی آمریکا از جنگ جهانی دوم تا امروز» در مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد رشته‌های علوم سیاسی و روابط بین‌الملل و نیز احتیاج مبرم این دروس به منابع ارزنده دست اول و معتبر. شاید این ادعا گزاف نباشد که این کتاب تا حدودی توانسته است که خلأ نبود منابع ارزنده را برای این دروس پر نماید. کتاب روابط بین‌المللی آمریکا پس از جنگ جهانی اول از یک مقدمه و نوزده فصل تشکیل شده است. مؤلف در مقدمه کتاب خود ابتدا مفاهیم مورد نیاز برای فهم فصولی که در آنها به شرح روابط بین‌المللی آمریکا پرداخته، آورده است. مفاهیمی چون: رقابت بین‌المللی مهار نشدنی، دیپلمات‌ها، امپریالیسم، ناسیونالیسم افراطی تنگ‌نظرانه، تبلیغات جنگی، نظامی‌گری، موازنه قوا، انزوای طلبی، ایجاد امنیت دسته‌جمعی و... عنوان فصل‌های نوزده‌گانه کتاب بدین قرارند:

فصل اول: «ایالات متحده وارد جنگ جهانی اول می‌شود»، نویسنده شروع جنگ جهانی اول که با ترور ولیعهد امپراتوری اتریش - مجارستان شروع شد را آغاز فصل جدیدی در روابط خارجی آمریکا قلمداد می‌کند و بعد از ذکر مختصری از جنگ جهانی اول به زمامداری ویلسون در آمریکا و سیاست‌های او در خصوص جنگ می‌پردازد و نهایت اینکه برای اعلام جنگ آمریکا به اتریش - مجارستان در سال ۱۹۱۷ دلایلی از مورخان ذکر می‌کند، مانند:

- با ورود آمریکا به جنگ ایام انزوای طلبی این کشور به پایان رسید؛
- آمریکا به این دلیل وارد جنگ شد که مورد حمله قرار گرفته بود؛
- با توجه به برتری اقتصادی، سیاسی و فرهنگ اخلاقی آمریکا این عقیده پیدا شد که ایالات متحده مأموریت دارد جهان را نجات دهد بنابراین دوران انزوای طلبی آن سپری شده است و آمریکا می‌باید نقشی فعال در امور جهانی ایفا نماید.

در فصل دوم با عنوان «جنگ جهانی و ترتیبات صلح»، نویسنده بیان می‌دارد: متفقین ورود آمریکا را به جنگ با شور و شوق تمام جشن گرفتند و انتظار داشتند که با آمدن آمریکا در عرصه نبرد بن‌بست موجود در جنگ تمام و پیروزی آنان تضمین می‌شود. در این فصل نویسنده طرح صلح ویلسون که مبتنی بر چهارده اصل بود و در ۱۸ ژانویه ۱۹۱۸ بیان شد را توضیح داده و بعد به کنفرانس صلح پاریس و معاهده صلح ورسای و شکست آن می‌پردازد.

نویسنده در فصل سوم روابط خارجی آمریکا در دهه ۱۹۲۰ را مورد توجه قرار می‌دهد و برخی از رویدادهای آن دهه را از قبیل: کمونیسم روسی، خلع سلاح، ظهور ناسیونالیسم در چین، بحران منچوری و روابط ایالات متحده با آمریکای لاتین را بررسی می‌کند.

در فصل چهارم با عنوان «از انزوآگرایی تا درگیری»، سیاست حسن همجواری روزولت در زمینه سیاست خارجی و به رسمیت شناختن شوروی و اعزام سفیر بدان کشور توضیح داده می‌شود.

فصل پنجم و ششم به ورود ایالات متحده به جنگ جهانی دوم و اقدامات آمریکا علیه ژاپن و آلمان، همچنین به زمینه‌های ایجاد سازمان ملل متحد، طرح مورگنتا، استفاده از بمب اتم در جنگ و شکست ژاپن اختصاص دارد.

فصل هفتم تحت عنوان «آغاز جنگ سرد» به موضوعاتی چون اشغال آلمان، علل جنگ سرد، جنگ سرد در اروپا، دکترین ترومن، طرح مارشال، پیمان آتلانتیک شمالی و مک کارتیسم اختصاص دارد.

فصل هشتم و نهم به موضوعات جنگ سرد و گرم در آسیای شرقی و روی کار آمدن آیزنهاور و سیاست خارجی او در آسیای شرقی و آمریکای لاتین و اقدامات آیزنهاور برای سرنگونی کاسترو می‌پردازد.

در فصل دهم سیاست اقتصادی خارجی ایالات متحده و تلاش‌های صلح‌جویانه خروشچف و شکاف در اردوگاه کمونیستی بین شوروی و یوگسلاوی آمده است.

فصل یازدهم به سیاست خارجی کندی در اروپا و آسیا، مسأله کوبا؛ کنفرانس وین و بحران برلین، بحران موشکی کوبا و ترور کندی در ۲۲ نوامبر ۱۹۶۳ اختصاص دارد.

در فصل دوازدهم موضوع زمامداری لیندن جانسون به مدت پنج سال و دو ماه، جنگ ویتنام، جنگ شش روزه و تلاش‌های جانسون در بهبود روابط با شوروی آمده است.

فصل سیزدهم به سیاستهای نیکسون برای تنش‌زدایی و گشایش روابط با چین کمونیست اختصاص دارد.

فصل چهاردهم سیاستهای نیکسون و فورد در آفریقا و ویتنام را بررسی می‌کند. در فصل پانزدهم زمامداری کارتر و رسوایی واترگیت، تلاش کارتر در برقراری صلح خاورمیانه، پیمان کمپ دیوید، مداخله شوروی در افغانستان، رخداد انقلاب اسلامی در ایران و بحران گروگان‌گیری در ایران آمده است.

در فصل شانزدهم و هفدهم روی کار آمدن ریگان و بازگشت به جنگ سرد و مخالفت با انقلاب‌ها، مداخلات آمریکا در گرانادا، نیکاراگوئه، السالوادور، کوبا، شیلی و جزایر فالکلند، ماجرای ایران - کنترا، بحران در خلیج فارس شرح شده است.

در فصل هجدهم و نوزدهم روی کار آمدن بوش (پدر) و کلinton و پایان جنگ سرد و دشواری‌های بعد از جنگ سرد و نظم نوین جهانی آمده است.

آنچه از محتوای این کتاب به دست می‌آید این است که این کتاب از پایه‌های محکم نظری در پژوهش برخوردار است و تجزیه و تحلیل یافته‌های کتاب به صورت توصیفی - تحلیلی با رویکردی تاریخی است، بنابراین مؤلف از طرح پرسش‌های اصلی و فرعی و یا تدوین فرضیه یا فرضیه‌ها صرف نظر کرده است و تنها به توصیف و تحلیل وقایع و رخدادهای مهم تاریخی مربوط به روابط بین‌المللی آمریکا پس از جنگ جهانی اول، آن هم در محدوده زمانی ۱۹۱۹ تا ۱۹۹۹ میلادی پرداخته است.

مؤلف کتاب از ابزار کتابخانه‌ای برای توصیف و تحلیل مطالب خود استفاده کرده است و از ۴۴۷ کتاب و مقاله فیش‌برداری کرده است که بسیاری از این کتابها و مقالات را می‌توان به جرأت منابع دست اول و ناب در حوزه پژوهشی نامید و این ادعا با نگاهی هر چند گذرا بر فهرست منابع و فصول نوزده‌گانه قابل درک است. همچنین مؤلف برای مطالعه بیشتر علاقه‌مندان این مبحث، تعداد ۱۲۷ کتاب و مقاله را نیز علاوه بر منابع مورد استفاده در کتاب، معرفی کرده است.

بررسی و نقد این کتاب را در دو قسمت محتوایی و شکلی تقدیم می‌داریم:

الف) بررسی و نقد محتوایی

در بررسی محتوایی کتاب «باگ بای» هر محققى به این مطلب اذعان دارد که نویسنده به حق مطالب غامض روابط بین الملل را در سالهای ۱۹۱۹ تا ۱۹۹۹م. بسیار ساده و روان و همه کس فهم در آورده و این مطلب موجب شده که حجم بالای کتاب در خواننده ایجاد دلزدگی نکند و با اشتیاق تمام به مطالعه همه مباحث مطروحه بپردازد.

رعایت انصاف البته تا جایی که برای نویسنده میسر بوده، در بررسی مطالب و بیان بسیاری از حقایق در اعمال زور از طرف آمریکا برای پیشبرد سیاست خارجی خود در جای جای کتاب مشهود است. با وجود این و با اعتقاد به اینکه هیچ اثری خالی از اشکال و نقص نیست، این موارد متذکر می‌گردد:

- در بحث از این مطلب که سیاست خارجی را چه کسانی وضع می‌کنند؟ (صفحه ۲۱ تا ۲۵)، نویسنده به رئیس جمهور آمریکا، شورای امنیت ملی (وزیر امور خارجه، وزیر دفاع، معاون رئیس جمهور، فرماندهان نظامی و رئیس سازمان اطلاعات مرکزی) و فشار شرکتهایی که به سرمایه‌گذاری و تجارت در خارج مشغول‌اند اشاره می‌کند، اما از فشارهای صهیونیست‌های آمریکایی که لابی‌های قوی در سیاست خارجی آمریکا دارند، حرفی به میان نمی‌آورد.

- در صفحه ۴۱ آمده است که «در ۲۴ مارس ۱۹۱۶، آلمانی‌ها به اشتباه یک کشتی مسافبری دیگر را با اژدر مورد حمله قرار دادند.»

در اینجا باید اذغان کرد که این بیان خاص خود نویسنده است و آلمان‌ها در هیچ جای تاریخ جنگ جهانی اول این مطلب را بیان نداشته‌اند که به اشتباه این عمل را انجام داده‌اند.

- در صفحه ۵۷ نویسنده، ایران را از جمله کشورهایی می‌داند که بر اثر متلاشی شدن عثمانی به وجود آمده است و اشتباه محض بودن این مطلب بر کسی پوشیده نیست البته مترجمان کتاب در پاورقی همین صفحه بدان اشاره کرده‌اند.

- در صفحه ۱۶۴ آمده است که «ایالات متحده در ششم اوت ۱۹۴۵، یک بمب بر روی هیروشیما فرو انداخت،... و سرانجام در چهاردهم اوت، ژاپن تسلیم گردید.»

در اینجا نویسنده از بمباران شهر دیگر ژاپن به نام ناکازاکی صحبتی به میان نمی‌آورد.

- در صفحه ۱۹۹، شکل ۵ - ۶ دیده می‌شود که بیانگر پاره‌ای از جنایت‌های آمریکا نسبت به مردمان بی‌دفاع در حمله با بمب اتمی است، اما اشاره نشده که این تصویر مربوط به کدام شهر ژاپن است.

- نویسنده در فصل ۹ و ۱۰، سیاست خارجی آیزنهاور را بررسی می‌کند، اما به هیچ عنوان از کودتای آمریکایی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ که بدان وسیله شاه فراری ایران را بار دیگر به ایران باز گرداندند و یا سفر نیکسون به ایران در راستای سیاست خارجی آمریکا مطلبی نمی‌نویسد. - در فصل ۱۱ که سیاست خارجی کندی آمده است از سفر شاه ایران به آمریکا و تعهدات او به کندی در انجام اصلاحات مورد نظر آمریکا و... حرفی به میان نمی‌آید.

- نویسنده فصل ۱۳ را به موضوع نیکسون و تنش‌زدایی اختصاص داده است اما از حامیان او از جمله شاه ایران که با صرف میلیون‌ها دلار خواستار روی کار آمدن نیکسون بودند، مطلبی نمی‌آورد و یا عکسی را در کتابش ارائه نمی‌دهد.

- در صفحه ۳۹۹ همان فصل، ذیل تیتل «جنگ ۱۹۷۳ اعراب و اسرائیل»، نویسنده همچون اغلب نویسندگان غربی و به‌ویژه آمریکایی، فلسطینی‌ها را «ستیزه‌جو» و «هواپیماربا» قلمداد می‌کند.

- نویسنده از صفحه ۴۰۳ تا ۴۰۶، سیاست خارجی آمریکا را به ریاست جمهوری نیکسون در آمریکای لاتین بررسی می‌کند و با رعایت انصاف علمی از کارشکنی‌های عوامل آمریکایی در به نابودی کشاندن حکومت قانونی و مردمی «آلنده» در شیلی مطالب جالبی ابراز می‌دارد که حقیقتاً خواندنی است.

- در فصل ۱۵، زمامداری کارتر آمده، و سیاست‌های او را که به‌زعم نویسنده برگرفته از مکتب واقع‌گرایی سیاسی می‌بود را بیان می‌دارد، در صفحه ۴۴۵ این فصل آمده است که کارتر نیز همانند اسلاف خویش، منافع امنیتی ایالات متحده را در صدر اولویت قرار می‌داد. بنابراین به مسأله نقض حقوق بشر در کشورهای ایران، فیلیپین،... هیچ‌گونه توجه رسمی نداشت اما چنانکه حافظه تاریخ یاری می‌کند واقعیت این است که کارتر از شاه ایران به‌طور رسمی خواسته بود که حقوق بشر را در ایران رعایت کند و رفع شکنجه از زندانیان سیاسی را در دستور کار خود قرار دهد.

- جالب است که بدانیم که نویسنده بسیار زیبا بیان می‌دارد که «آمریکاییان» و

سیاستمداران پرمدعای آن از اوضاع درونی کشوری که شاهش غلام حلقه به گوش آنها بود، «اطلاع زیادی نداشتند».

– نویسنده در فصل ۱۵، به سفرهای شاه مخلوع ایران به آمریکا و کارتر به ایران اشاراتی دارد، اما در این فصل هیچ مطلبی از آخرین خریدهای تسلیحات نظامی شاه ایران که برخی از آنان عبارت‌اند از: آواکس یا رادار پرنده، ناو دریایی و هواپیمای اف۱۶ و پرداخت تمام و کمال پول آنها به آمریکا و تحویل ندادن آنها به ایران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، ذکر نشده است.

– در فصل ۱۸، نویسنده به ریاست جمهوری بوش و سیاستها و حوادث آن دوران می‌پردازد، اما جالب است بدانیم که از پایان جنگ تحمیلی عراق علیه ایران مطلبی ننوشته، گرچه در این فصل به موضوع جنگ خلیج فارس و حمله صدام به کویت و اشغال آن مطالبی را ذکر کرده است.

ب) بررسی و نقد شکلی

در بررسی و نقد شکلی کتاب ترجمه شده «باگ بای» لازم به ذکر است که:

۱. گرچه متن کتاب ترجمه شده به فارسی تا حدود زیادی روان و سلیس است، اما فاقد هرگونه ارجاعات به منابع فصل‌ها است آن هم منابع مهمی که مؤلف از آنها بهره‌ها برده است. ارجاعات که معمولاً با شماره در متن و پاورقی و یا درون متنی داخل پرانتز می‌باشد، به خواننده محقق و دانشجوی تکاپوگر علم و دانش بسیار کمک می‌کند تا به مطالب با نگرشی علمی و پژوهشگرانه بپردازد.

۲. در متن واژه‌هایی را مترجمان لازم دانسته‌اند که معادل انگلیسی آن را در پاورقی ذکر کنند، این کار از محسنات متن ترجمه شده است اما شماره ذکر شده در متن با اعداد فارسی است و در پاورقی قبل از کلمات انگلیسی اعداد نیز به صورت فارسی ذکر شده و این‌گونه آوردن اعداد فارسی قبل از کلمات انگلیسی معمول نیست و باید اعداد انگلیسی تایپ شود.

۳. در صفحاتی چند از کتاب ترجمه شده دو عدد مشابه در متن ذکر شده مانند متن صفحه ۱۸ که دو شماره ۳ دارد.

۴. در متن صفحه ۱۸، شماره ۱ ذکر شده اما در پاورقی همان صفحه شماره ۱ بعد از شماره ۳ آمده است.
۵. در متن صفحه ۱۹ از شماره ۱ خبری نیست و پاورقی همان صفحه از شماره ۲ شروع شده است.
۶. در کلیه شماره پاورقی‌ها ابتدا خط تیره آمده و بعد عدد ذکر شده و این نیز نه معمول است و نه معقول.
۷. عنوان کتاب در صدر هر صفحه، چه صفحاتی که با اعداد زوج، و چه صفحاتی که با اعداد فرد شروع می‌شوند، آمده است و این نیز معمول نیست و آنچه که صدر صفحات کتاب را زیبا می‌دارد، آوردن نام کتاب در صفحه زوج و عنوان فصل در صفحه فرد می‌باشد.
۸. کتاب نتیجه‌گیری ندارد و این مطلب از نواقص کتاب است.
۹. در آخر کتاب ترجمه شده عنوان فصل‌های کتاب انگلیسی با شماره صفحاتی که مربوط به متن انگلیسی است آمده که هیچ فایده‌ای برای خواننده فارسی‌زبان ندارد (ص ۶۱۵ ترجمه).
۱۰. در صفحه ۶۱۶ ترجمه، یک پاراگراف به زبان انگلیسی آمده که هیچ معلوم نیست این پاراگراف، چکیده است یا مقدمه که با مطالعه آن متوجه شدیم که هیچ یک از آنها نیست!
۱۱. متن کتاب انگلیسی شناسنامه ندارد و معلوم نیست کتاب آقای وسلی.ام. باگ‌بای در چه سالی تألیف شده و چه انتشاراتی و در کجا آن را به چاپ رسانده و اینکه کتاب ترجمه شده از کدام ویراست کتاب باگ‌بای ترجمه شده است.
۱۲. در فهرست مطالب بعد از منابع و مآخذ، نمایه ذکر شده و وقتی به صفحه ۶۱۷ که نمایه قرار است در آن درج شده باشد با صفحه‌ای بی‌عنوان نمایه روبه‌رو می‌شویم همچنین در این نمایه اسامی اشخاص و شهرها از همدیگر تفکیک نشده است.
۱۳. کتاب دارای تصاویر جالب و تاریخی و مربوط به متن است، اما توضیحات این تصاویر از لحاظ نوع خط و فونت با متن یکی نیست و در مواردی خواننده را به اشتباه می‌اندازد مانند صفحات ۱۳۱ و ۱۵۳ و ۱۷۹ و ۲۱۹ و ...

۱۴. مترجمان کتاب، در صفحاتی که نویسنده سیاستهای آمریکای در قبال ایران، اشغال ایران در زمان جنگ جهانی دوم، نخست‌وزیری مصدق و کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و نیز رخداد انقلاب اسلامی در ایران و بحران گروگان‌گیری (اشغال لانه جاسوسی) را توضیح می‌دهد از ارائه هرگونه توضیحی که برای خواننده مفید باشد، صرف‌نظر نموده است. شایسته بود که مترجمان کتاب در این مباحث به ایران پرداخته و نظرات صحیح مورد قبول را در پاورقی و با ذکر اینکه این توضیحات از آنان می‌باشد بیاورند.

۱۵. مترجمان در دیباچه کتاب که به شماره ده می‌باشد در پاراگراف اول بیان داشته‌اند که: «مترجمان سعی کرده‌اند برای حفظ امانت و اصالت این کتاب معتبر مطالب را عیناً ترجمه کرده و برای رفع اشکال و ابهام به هر کجا لازم دانسته توضیحات تکمیلی را در پی‌نوشت بیان نموده‌اند» علاوه بر اینکه این جمله ویراستاری می‌خواهد، در ۶۳۶ صفحه از کتاب ترجمه شده بجز دو یا سه مورد، هیچ توضیح تکمیلی در پاورقی مشاهده نمی‌شود.

۱۶. در صفحه ۵۹۲ کتاب، عکس ۴-۱۹ آمده که در آن پیمان‌های امنیت دسته‌جمعی ایالات متحده ذکر شده است، اما درباره این عکس مهم باید گفت که ناواضح و بسیار ریز است و دیگر اینکه اسامی کشورها و توضیحات عکس و ترجمه تعیین نشده است و سوم اینکه در ترجمه اگر به جای کلمه عکس، از کلمه تصویر استفاده می‌شد شاید دلنشین‌تر می‌بود، زیرا ما خوانندگان فارسی‌زبان کلمه عکس را بیشتر در مورد اشخاص و مناظر به‌کار می‌بریم و از واژه تصویر برای نقشه‌های جغرافیایی استفاده می‌کنیم. در آخر اذعان می‌دارد که این مطالب نقد شکلی کتاب ترجمه شده است و اما سلیسی ترجمه و روان بودن آن و اینکه مطالب دست اول و پر محتوای کتاب این ایرادهای شکلی را پوشش می‌دهد، بر هیچ پژوهشگری پوشیده نیست.